

جلسه ۱۰/۳/۱۴۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ﴾^۱

ادامه بحث سنت هلاکت براساس ظلم و

صحبت مان سنت های الهی در قرآن کریم بود. در تعقیب آنچه که در جلسات قبل به تفصیل گفتیم، آخرین سنتی که مطرح شد در قرآن کریم گفتیم سنت عذاب و نزول گرفتاری ها و بدبختی ها و تعذیب خاص الهی افرادی را که پس از مهلت و اتمام حجت باز هم به انحراف خود ادامه دادند. گفتیم در ارتباط با اینها عذاب پروردگار، گرفتاری از ناحیه خدا مقرر می شود. این آیه شریفه را هم صحبتش را کردیم که قرآن کریم می فرماید ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَعْتَهُ﴾^۲ وقتی فراموش کردند خداوند متعال را؛ ما همه چیز را برای آنها آسان کردیم. ابواب همه چیز را باز کردیم. نعمت در اختیارشان گذاشتیم. قدرت در اختیارشان گذاشتیم. ولی باز هم به انحرافشان ادامه دادند. پس از این مهلت، ما اخذشان کردیم ناگهان. ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا﴾ تا آن جا که خوشحال خوشحال شدند. آن وقت ﴿أَخَذْنَاهُمْ بَعْتَهُ﴾ و ما اینها را ناگهان گرفتیم و ناگهان دیدند که در گرفتاری هستند. این یک سنت است از سنت های الهی. اینها را صحبتش را کردیم.

در همین مسیر یک آیه دیگر به عرض تان می رسد که همین مطلب را باز بیان می کند که بالاخره ما جانیان را به حسابشان می رسیم. در همین دنیا هم گرفتاری برای آنها هست. اهل حق گاهی در شدت بسیار ناراحت کننده قرار می گیرند از طرف جانی ها، منحرفین، منکرین حق و حقیقت، اهل حق در سختی بسیار بسیار رنج آور؛ ولی در عاقبت نصر ما نصیب اهل ایمان می شود. و آن جانی ها را خداوند متعال به هلاکت می رساند.

حالا یک آیه از آیاتی هم که در این ارتباط است که آیات متعددی است، سوره مبارکه یوسف آیه صد و ده ﴿حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ﴾^۳ این هم همین سنت را بیان می کند. می فرماید که تا آن جا اهل حق گرفتاری می بینند، در راه

۱- سوره اسراء، آیه ۹.

۲- سوره انعام، آیه ۴۴.

۳- سوره یوسف، آیه ۱۱۰.

خدا رنج می بیند ﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ﴾ تا آن جایی که پیامبران هم مثل اینکه حال یاسی به آنها دست می دهد؛ نصرت خدا چی شد و وعده خدا بر نصرت چی شد؟ اینها این چنین در فشار قرار می گیرند. ﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا﴾.

که باز این آیه هم یکی از آیات نسبتاً دقیقی است که باید بیشتر روی آن دقت کرد. ولی حاصل آن دقت این است که عرض می کنم. طبق روایاتی که آیه را معنی کردند، و این پیامبران گمان می کنند که تکذیب شدند، نه یعنی خدا نعوذ بالله به اینها دروغ گفته است؛ بلکه گمان می کنند که امت دیگر اینها را تکذیب می کنند. ﴿قَدْ كُذِّبُوا﴾ یعنی از ناحیه امت ﴿قَدْ كُذِّبُوا﴾ از ناحیه امت تکذیب می شوند. ﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا﴾ از ناحیه امت، نه خدا نعوذ بالله به آنها دروغ فرموده است ﴿وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا﴾ آن وقت کمک ما به سراغشان می آید. ما کمک می کنیم پیامبران را و اهل حق را. ﴿وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ﴾ آن وقت آنهایی را که بخواهیم که اهل ایمان هستند نجاتشان می دهیم از گرفتاری ها. ولی بَأْس ما، شدت ما، اخذ ما، عذاب ما از قوم مجرم فاصله نمی گیرد، رد نمی شود. ﴿وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ﴾. این هم یک سنتی است از سنت های الهی.

و این سنت در جریان امتهای مختلف انجام گرفته است. و ماها هم باید بدانیم هر شخصی هم به نسبتی همین سنت برای او مقرر است. یعنی هر انسانی هم این چنین است که خداوند متعال در ارتباط با دستوراتی که عنایت کرده، برنامه هایی که فرموده، اگر چنانچه عمل کردند، بسیار خوب؛ عمل نکردند، مهلت می دهد؛ ولی پس از مهلت افراد هم وضع همین است که بعد از مهلت خدا اخذ می کند. اگر انسان از مهلت خدا حسن استفاده نکرد، اخذ می کند می گیرد و به گرفتاری گرفتارشان می کند. البته استثنا بعضی از جانی ها هستند که اینها تا آخرین لحظه عمرشان به جنایت شان ادامه می دهند و چیزی هم در این عالم از گرفتاری نمی بینند. این هم استثنا پیش می آید در موارد خاصی که آنها زالت شان در حدی است که قرار است در این دنیا دیگر گرفتاری نبینند؛ تا همه سختی ها از ابتدای انتقال شان به عالم بعد برای آنها محقق شود.

بنابراین این هم یک سنتی است از سنن الهی که در ارتباط با اقوام مختلف انجام شده است؛ و در ارتباط با اشخاص هم عرض شد انجام می شود. و لذا اگر بخواهیم به نفع خودمان کار کنیم، باید مراقب باشیم که گرفتار نشویم به این جهتی که عرض کردم که از مهلت الهی حسن استفاده نکنیم، و در نتیجه در نهایت خداوند متعال ما را اخذ کند. همچنان که در بعضی از آیات و بسیاری از روایات بیان شده که آنهایی که این چنین عمل می کنند که از مهلت الهی سوء استفاده می کنند، خداوند متعال ﴿سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا

يَعْلَمُونَ^۱ اینها را به استدراج گرفتار می‌کند. همین‌طور مهلت مهلت، ولی یک دفعه آنها را اخذ می‌کند و بیچاره می‌شوند. به نفع ماست که هر چه بیشتر در جهت تقوی در حرکت باشیم. و آنچه در قرآن و حدیث است، عمل کنیم.

مواظبت بر سرمایه عمر در کلام امام رضا (علیه السلام)

و امروز چون روز ولادت با سعادت حضرت رضا (علیه السلام) است، این یک حدیث کوتاه را از حضرت برای شما عرض می‌کنم. همت کنیم که همه شئون مان بر اساس کتاب و عترت باشد. همان سفارشی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از اول بعثت تا هنگام رحلت فرمودند کتاب و عترت. کتاب و عترت مایه سعادت انسان‌ها است، تمسک به کتاب و عترت.

از آقا حضرت رضا (علیه السلام) سؤال شد حالتان چطور است؟ «كَيْفَ أَصْبَحْتُ» حضرت فرمودند که «أَصْبَحْتُ بِأَجَلٍ مَّنْقُوصٍ وَ عَمَلٍ مَّحْفُوظٍ وَ الْمَوْتُ فِي رِقَابِنَا وَ النَّارُ مِنْ وَرَائِنَا وَ لَا نَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِنَا»^۲. یک کسی از حضرت رضا (علیه السلام) پرسید حالتان چطور است؟ «كَيْفَ أَصْبَحْتُ»؟ یک درسی اینجا حضرت دادند. گاهی اقتضای این می‌کند که تنها انسان در جواب بگوید الحمد لله، خوب هستم. زمینه‌ای برای ارشادی نصیحتی تذکری نیست. ولی اگر انسان دید زمینه‌ای برای ارشاد، برای نصیحت، برای تذکر، برای امر به معروف، برای نهی از منکر، برای دلالت و هدایت است، در همان احوال پرسشی هم انسان کار خودش را بکند. هدف تقویت دین، ترویج دین، تبیین دین که این بر عهده مثل ماها است که در این مسیر قرار گرفتیم. این هدف را غفلت نکند انسان.

گفت آقا حالتان چطور است؟ درس دادند؛ فرمودند حالم این جور است «أَصْبَحْتُ بِأَجَلٍ مَّنْقُوصٍ» صبح کردم در حالی که شب صبح شد، به همین مقدار از وقتم گرفته شد؛ از عمرم کم شد. ما از وقتی که اینجا نشستیم تا الان، از عمرمان کم شده است. روی آن خیلی حساب کنیم. عزیزان عمر را باری به هر جهت صرف نکنیم. حدیثی که مکرر عرض کردم از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یادمان باشد. بیش از آنچه که در مصرف پول مان دقت می‌کنیم که به نفع مان کار کنیم، در مصرف عمرمان دقت کنیم. «كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشْحَ مِنْكَ عَلَى دِرْهِمِكَ وَ دِينَارِكَ»^۳.

فرمودند شب که صبح شد به همین مقدار از عمر من کم شد. «أَصْبَحْتُ بِأَجَلٍ مَّنْقُوصٍ وَ عَمَلٍ مَّحْفُوظٍ» صبح کردم در حالی که کارمان محفوظ است، گفتارمان محفوظ است، نگاه مان محفوظ است، نیت مان

^۱ - سوره اعراف، آیه ۱۸۲.

^۲ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۳۳۹/۷۵ باب ۲۶ مواظب الرضاع

^۳ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۷۶/۷۴ باب ۴ ما أوصى به رسول الله ص إلى أبي ذر رحمه الله

محفوظ است، اعمال مان محفوظ است. و هر چه بد کنیم به خودمان برمی‌گردد. کما اینکه هر چه نیکی داشته باشیم به خودمان برمی‌گردد. کفایت می‌کند این جمله ای که همه بلدیم «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»^۱ برسیم به خودمان. برای اینکه رستگار بشویم، از همه نادرستی‌ها پرهیز.

«وَ عَمَلٍ مَّحْفُوظٍ» صبح کردم و حال آن که مرگ بر گردن مان است. یعنی نزدیک است، هر آنی ممکن است مرگ به سراغ انسان بیاید. من گاهی عرض کردم طبیعی مشغول مداوای مریض بود؛ خود طیب سکنه به سراغش آمد، همان جا طیب از بین رفت؛ و مریض ماند. و بسیار پیش آمد کرده است. منبری در تهران بود صحبت می‌کرد؛ وسط منبر ساکت شد. آمدند دیدند تمام کرده؛ مثل اینکه مدت‌هاست که فوت کرده است.

مرگ هم نزدیک است. یک کمی حساب و کتاب داشته باشیم. بررسی کنیم خودمان را، در فکر تکامل هستیم یا خیر؟ حالت خوب و حالت‌های خوب را تعقیب می‌کنیم یا خیر؟ توجه به خداوند متعال داریم یا خیر؟ در گرفتاری‌ها، در امیدواری‌ها، در همه شئون مان حال اتکاء به خدا رجا به خدا توجه به خدا در کار هست یا نیست؟ اگر نیست، گریه کنیم به حال خودمان که ما زندگی مان تباه خواهد شد اگر این چنین زندگی کنیم. بلکه هر چه بیشتر برسیم به خودمان و خودمان را از نادرستی‌ها دور کنیم؛ و الا بیچارگی خواهد بود با توجه به موت. «وَ الْمَوْتُ فِي رِقَابِنَا».

آتشی هم در پیش است. حضرت زبان حال عموم را دارند می‌گویند. خودشان که حساب‌شان جدا است. آتشی هم در کار است. یعنی این چنین نیست که خبری نباشد. هر کاری حساب و کتابی دارد. اعمال زشت، نتیجه‌اش آتش است و گرفتاری. عذاب در کار است. بی خود است حرف عرفا، این معاریف معروف به عرفان اصطلاحی که اینها می‌گویند عذاب عذب می‌شود. ابن عربی صریح می‌گوید در فصوص که عذاب عذب می‌شود. و ملاصدرا هم در اسفار صریح می‌گوید عذاب در قیامت در مواردی می‌گوید که عذب می‌شود. و چنان جهنمی‌ها این حرف ابن عربی است در جهنم خوشند که بهشتی‌ها در بهشت خوشند. اینها از اباطیل است و حرفهای بسیار بی خود. سخنانی که این عرفای اصطلاحی دارند، خیلی از آنها اشتباه است. و اینها حرفهای نادرستی است. آتشی است که این همه در قران کریم صحبتش شده است. «وَ النَّارُ مِنْ وَّرَائِنَا» با ما هم چه خواهد شد، نمی‌دانیم. یعنی برسیم به خودمان تا هر چه بهتر رستگار شویم.

^۱ - سوره زلزله، آیات ۷ و ۸.

امیدواریم که خداوند همه ما را کمک کند که در این مسیر استفاده از اهل البیت علیهم السلام بهره مند باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ